

سادات رضوی مشهد

• زهرا فاطمی مقدم
کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی



گروه‌های مذهبی به ویژه منتسبان به ائمه که در اصطلاح سادات نامیده می‌شوند به خاطر جایگاه اجتماعی و نفوذ مذهبی قوی در میان مردم و گاه در در دستگاه حکام، همواره نقش بارزی در تاریخ محلی شهرهای مختلف و به ویژه شهرهای مذهبی ایفا کرده‌اند. هرچند تا کنون پیرامون این گروه‌ها مطالب بسیاری چه به صورت منسجم و چه به شکل پراکنده، به رشته تحریر درآمده است، اما تعداد نگاشته‌هایی که به شکل علمی و با روش آکادمیک همراه با تفکرات تاریخی و به دور از احساسات مذهبی نوشته شده باشند، بسیار اندک است و این نکته‌ای است که براهمیت کتاب حاضر می‌افزاید. در این میان مهم‌ترین کتاب قابل ذکر که می‌توان آن را تنها منبع جدی در مورد سادات رضوی به شمار آورد، کتاب «شجره طیبه» است. کتاب مذکور که در اواخر دوره قاجاریه در سال‌های ۴-۱۳۳۳ق توسط محمد باقر رضوی نوشته شده، به شناسایی و معرفی اعقاب موسی مُبرقع فرزند امام جواد(ع) به عنوان سرسلسه سادات رضوی ایران می‌پردازد. از ویژگی‌های مهم کتاب استفاده از اسناد و مدارکی است که هم اکنون بخشی از آن از بین رفته است به همین جهت اکثر استنادهای امروزه شجره‌ها و تحقیقات مرتبط با سادات رضوی مبتنی بر همین کتاب است. اما با این حال فهم متن کتاب با وجود بازنگری صورت گرفته در آن، بسیار دشوار است زیرا محتوای آن شرح حال نگاری بوده و از شیوه نگارش اواخر دوره قاجار برخوردار است. به همین جهت چاپ کتاب «سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان دوره قاجاریه» اقدامی درخور توجه است. به ویژه این که مؤلف در تدوین این کتاب از اسناد و مدارکی بهره برده که بعضی از آن‌ها حتی در کتاب شجره طیبه نیز دیده نمی‌شود.

نگاهی به وضعیت سادات اعم از موسوی، حسینی و رضوی در ایران نشان می‌دهد که سادات رضوی به عنوان فرزندان امام رضا (ع)، از موقعیت ویژه‌ای نسبت به دیگر سادات چه به لحاظ اجتماعی و چه به خاطر انسجام درونی برخوردار بوده‌اند. امری که در دوره‌های مختلف تاریخی به راحتی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد آنچه در این امر مؤثر بوده حفظ موقوفه‌های اولادی و نیز داشتن شجره‌های منظم و مرتب است. آنان که از هنگام حضور در ایران در اکثر شهرها، ضمن برخورداری از موقعیت اجتماعی، مورد احترام حکام محلی نیز قرار داشتند، با ورود به مشهد از قرن نهم و به خصوص پس از به حکومت رسیدن صفویه و رسمیت یافتن تشیع، با در اختیار گرفتن نقابت

■ سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه
■ ابوالفضل حسن آبادی
■ سید جلال قیامی میر حسینی
■ مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۳۸۷؛ تعداد صفحات: ۵۴۹

سادات، تولیت حرم و برخی دیگر از مناصب مهم آستان قدس رضوی، نقش ویژه‌ای در تاریخ محلی این شهر ایفا کردند. در حقیقت مهیا بودن زمینه‌های گوناگون حضور آنان در جامعه مشهد از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این امکان را برای آنان فراهم ساخت تا با استفاده از کلیه امکانات در اختیار خود ضمن انسجام پیوندهای داخلی خویشاوندی، به عنوان نمونه‌ای موفق از حضور یک جامعه مذهبی در عرصه‌های مختلف محسوب گردند. ماندگاری آن‌ها در طی قرون متمادی در تاریخ مشهد دلیلی بر این مدعا است. کتاب حاضر در پی آن است که با بررسی نقش سادات رضوی در عرصه تحولات سیاسی، مذهبی و اجتماعی مشهد از جنبه‌های گوناگون و همچنین تبیین جایگاه آنان در ارتباط با آستان قدس، زوایایی از تاریخ این شهر را در طی ۵۰۰ سال اخیر مشخص کند.

مؤلف کتاب، ابوالفضل حسن آبادی، خود دانشجوی دکترای تاریخ محلی است و داشتن بیش از ده سال تجربه کاری در مرکز اسناد آستان قدس و نیز نوشتن مقالات گوناگون مبتنی بر اسناد باعث شده که وی ضمن داشتن دانش کافی در استفاده از اسناد، به موضوع و محتوای سندهایی که مرتبط با سادات رضوی هستند و در این مرکز اسنادی نگهداری می‌شوند نیز مسلط باشد.

متن کتاب

متن اصلی کتاب که در ۲۹۴ صفحه تنظیم شده به جز پیشگفتار و مقدمه، دربرگیرنده ۵ فصل و یک نتیجه‌گیری کلی به همراه توضیح مختصری در معرفی مکان‌های مقدس وابسته به سادات رضوی است. در این ۵ فصل در مجموع به مقتضای موضوع از ۱۲ شجره و نیز از استنساخ ۳۹ سند استفاده شده است. ۲۵۴ صفحه باقی مانده کتاب نیز به ارائه تصویر و استنساخ ۱۰۹ سند، فهرست ۱۹۰ منبع و پژوهش، نمایه و ضمائم اختصاص یافته است. ضمائم نیز دربرگیرنده ۳۴ تصویر از رجال و اماکن مرتبط با موضوع و نیز تصویر ۵۱ مهر از رجال مهم سادات رضوی در سه دوره صفویه، افشاریه و قاجاریه است.

در پیشگفتار مؤلف ضمن بیان کلیاتی راجع به سادات رضوی مشهد مطالب مطرح شده در کتاب را به ۵ دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱. تاریخچه ورود سادات رضوی به مشهد
۲. وضعیت مذهبی سادات رضوی در دوره‌های مختلف
۳. رویکرد سیاسی و ارتباطات حکومتی
۴. جایگاه اجتماعی در میان مردم
۵. ارتباط با آستان قدس رضوی

در ادامه این قسمت شاهد توضیحات مؤلف در مورد منبع شناسی کتاب به ویژه نحوه دسترسی و استفاده از اسناد هستیم.

مقدمه ۷ صفحه‌ای کتاب با عنوان اهمیت سادات در ایران آغاز می‌شود که در آن پس از تعریف و توضیح واژه سادات به لحاظ معنایی و نیز ذکر برخی آیات و روایات در باب اهمیت دوستی و احترام به سادات، نگاهی اجمالی به جایگاه سادات در ایران در دوره‌های مختلف تاریخی از ابتدای ورود آنان به این سرزمین تا پایان دوره قاجاریه دارد.

پیشینه تاریخی سادات رضوی عنوان فصل اول کتاب است که به دو مطلب کلی اشاره دارد:

الف) تبار و شجره سادات رضوی و تاریخچه ورود آنان به ایران
ب) سابقه حضور سادات رضوی در مشهد و بررسی موقعیت و جایگاه آنان در این شهر تا ابتدای حکومت صفویه

سرسلسه سادات رضوی ایران موسی مبرقع فرزند امام جواد(ع) است که در اواخر قرن سوم همراه با فرزنداناش به ایران می‌آید. آنان توانستند به تدریج با به دست آوردن منصب نقابت در برخی شهرها به جایگاه اجتماعی قابل توجهی دست یابند. پس از به قدرت رسیدن تیمور، به خاطر تسامح و تساهل مذهبی تیموریان در خراسان در قرن نهم شاهد ورود سادات رضوی به مشهد هستیم. آنان که ابتدا در کسوت علما و محققان وارد مشهد شدند، توانستند با استفاده از موقعیت اجتماعی و محبوبیت مردمی نفوذ زیادی در بین طبقات اجتماعی و سلسله‌های حکومتی پیدا کنند تا جایی که منصب نقابت را به طور مشترک با سادات موسوی در اختیار بگیرند.

در فصل دوم با عنوان سادات رضوی در دوره صفویه اشاره می‌شود از آن جایی که ساختار سیاسی، اجتماعی و مذهبی حکومت صفویه مبتنی بر حمایت از علما و روحانیون و نیز سادات در جهت استفاده از مشروعیت آنان در تحکیم پایه‌های قدرت بود، روابطی متقابل و دوسویه میان سادات رضوی از یک طرف و حکومت صفوی از سوی دیگر برقرار می‌شود. نگاهی به کثرت علمای سادات رضوی مشهد در این دوره نمایانگر اهمیت جامعه مذهبی آن زمان است که سبب بالا بردن قدرت اجتماعی آنان می‌شد. در این میان برخی از خانواده‌های سادات رضوی از سایر خانواده متمایز بودند. این خاندان‌ها علاوه بر این که با حکومت صفوی پیوندها و تعاملاتی داشتند در میان مردم نیز از نفوذ سیاسی، اجتماعی و مذهبی بالایی برخوردار بودند. برخورداری از تمکن مالی به خاطر دارا بودن سیورغالاتی که از جانب شاهان صفوی به آن‌ها داده می‌شد و نیز بهره‌مندی از املاک شخصی و موقوفات از ویژگی‌های این خاندان‌ها به شمار می‌آید. نگاهی کلی به وضعیت این خانواده‌ها با توجه به شغل‌های مهمی که چه در حکومت و چه در تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در اختیار داشتند جایگاه و نفوذ آن‌ها را بیشتر مشخص می‌کند.

خاندان محمد جعفر رضوی و نیز خانواده میرزا الغ رضوی از جمله خاندان‌های مهم سادات رضوی در مشهد در این دوره بودند. اما در این میان، خانواده میرزا ابوطالب رضوی نسبت به دیگر خانواده‌ها به مدد داشتن ارتباط سیاسی با حکومت و نیز نفوذ اجتماعی به جهت در اختیار داشتن مناصبی همچون تولیت آستان قدس، نقابت و کلانتر شهر واز طرفی تمکن مالیشان از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار بودند. مؤلف در پایان این مبحث اشاره می‌کند که به غیر از این خاندان‌ها، نام گروهی از سادات رضوی در اواخر حکومت صفویه در منابع ذکر شده که به «سادات ارض اقدس» (مشهد) مشهور بودند که به سیادت معروف بودند ولی شجره مشخصی نداشتند.

عنوان فصل سوم سادات رضوی از افشاریه تا قاجاریه است. این فصل خود دربردارنده دو مبحث برجسته و کلی است: اول بررسی وضعیت سادات رضوی مشهد از سقوط حکومت صفویه تا روی کار آمدن حکومت قاجار و

خانوادہ‌های محلی و نیز ورود افکار و عقاید جدید و گسترش شهرنشینی است. در ادامه چند بحث مهم از وقایع دوره قاجار که مرتبط با مشہد و سادات رضوی بوده مطرح می‌گردد:

۱- شورش سالار: حسن خان سالار فرزند آصف الدوله و نوه فتحعلی شاه بود که پس از بروز اختلافات میان پدرش و میرزا آقاسی در سال ۱۲۶۳ ق در مشہد دست به شورش زد و توانست برای مدتی در مشہد قدرت را به دست گیرد. شورش وی سرانجام به وسیله حسام السلطنه سرکوب گردید. درخصوص چگونگی ارتباط سادات رضوی با این جریان باید گفت که درواقع سادات رضوی به علت داشتن برخی مناصب در آستان قدس و وجود علمای بزرگی در میان آنان که محل رجوع مردم بودند، خواهناخواه درگیر این شورش گشتند. در واقع همراهی مردم شهر با سالار که بیشتر به خاطر ظلم و ستم حاکمان و سربازان حکومتی بود، علما و بزرگان شهر را چه سادات و چه غیر سادات مجبور به همراهی با این جریان می نمود و این دخالت نه از روی تعمد بلکه با توجه به جو عمومی شهر صورت می گرفت به همین خاطر در آخر کار نیز قطع حمایت آنان از سالار راه را برای سقوط وی فراهم آورد.

۲- از قاجاریه تا انقلاب مشروطه: سادات رضوی در فاصله سال‌های بعد از شورش سالار تا مشروطه (۱۲۶۴ - ۱۳۳۴ ق) با اینکه باز هم با کاهش موقعیت سیاسی روبه‌رو بودند اما همچنان بعنوان صاحب منصبان مهم آستان قدس از اعتبار ویژه‌ای در دربار شاهان قاجار برخوردار بودند. تخفیف مالیاتی و اعطای القاب و خلعت از سوی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه برای برخی از سادات رضوی، خود گواه این مطلب است. نگاهی به اسناد به جای مانده نیز نشان می‌دهد که برخی از مناصب مهم آستانه در این دوران از طرف شاهان قاجار به آن‌ها واگذار شده است.

دوم بررسی وضعیت سادات رضوی مشہد در دوران حکومت قاجار. در بخش نخست اشاره شده است که تمرکز قدرت در مشہد و انتخاب آن به عنوان مرکز حکومت افشاریه به همراه سیاست‌های مذهبی نادر، تا حدودی قدرت سادات رضوی را در مشہد کاهش داد و مجال کمتری برای حضور آنان در عرصه‌های مختلف فراهم آورد. همچنین از نظر مالی به علت مشکلات موقوفه‌ها و نیز از بین رفتن سیورغالاتی که حکومت صفویه به آن‌ها واگذار کرده بود، دچار مشکل بودند. اما در مقابل دامنه نفوذ آنان در تشکیلات اداری آستان قدس به قدری گسترده می‌شود که نظیر آن در ادوار قبل و بعد دیده نمی‌شود هرچند به سبب وجود مرکزیت حکومت افشاریه در خراسان و نظارت بیشتر حکومت بر آستان قدس به طور کلی قدرت متولی و صاحب منصبان این مجموعه نسبت به دوره قبل کاهش یافته بود. با این حال وجود احکام بسیاری از شاهان افشاریه در تأیید و یا انتصاب برخی از سادات رضوی به مناصب آستان قدس، نشانگر ارتباط نزدیک آنان با حکومت افشاریه است.

اما از سوی دیگر با توجه به این که نادر و جانشینانش کمتر به علما وقعی می‌نهادند وضعیت اجتماعی خانواده‌های سادات رضوی نسبت به دوره صفویه تضعیف می‌شود به نحوی که دیگر از علمای بزرگ منتسب به این خاندان‌ها در منابع کمتر اثری یافت می‌شود.

در بخش دوم این فصل مؤلف پس از ارائه یک تصویر کلی از وضعیت سادات رضوی در دوره قاجار، اشاره می‌کند که موقعیت آن‌ها به ویژه از منظر سیاسی نسبت به ادوار قبل باز هم با کاهش روبه‌رو می‌شود. حتی نفوذ اجتماعی و مذهبی آنان نیز به صورت دوره‌های قبل است. هر چند با وجود علمای بزرگ و در دست داشتن نقابت سادات و مناصب آستانه تا حدودی آن را حفظ کردند. علت این وضعیت در تمرکزگرایی شاهان قاجار، کاستن قدرت



میرزا عبدالرضا الرضوی (مهردار خاص) - میرزا عبدالحسین رضوی نقیب الاشراف (سرکشیک اول)



نفر اول سمت راست: محمدعلی رضوی (سرکشیک چهارم)

که این جریانات اگرچه با عنوان مخالفت با مشروطه آغاز شد ولی ریشه اصلی این واقعه بیشتر با منافع شخصی افراد و نیز اهداف استعماری دولت روسیه مرتبط بوده است. در حوادثی که منجر به بمباران حرم گشت، سادات رضوی به عنوان یک گروه متحد نقشی در بروز رخدادها نداشتند و تنها چند نفر از آنان به صورت فردی به همراهی و یا مخالفت با گروه‌های در گیر در این جریان پرداختند.

در فصل چهارم با عنوان رابطه بین سادات رضوی با آستان قدس، اشاره می‌شود که این رابطه چنان تنگاتنگ است که نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سادات رضوی در مشهد را نمی‌توان جدا از آن بررسی کرد. آنان پس از شکل‌گیری تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه توانستند بسیاری از مناصب کلیدی این مجموعه را به دست گرفته و در سلسله مراتب اداری آن ریاست فائده کسب کنند. در حقیقت صبغه مذهبی این تشکیلات باعث شده بود که همواره سادات از نوعی تقدم برای در اختیار گرفتن مشاغل آن برخوردار باشند. بی شک انتساب آنان به امام رضا در کنار تمکن مالی در این امر بی تأثیر نبوده است. علاوه بر این موروثی بودن سیستم تشکیلات آستانه به همراه ارتباطات سیاسی آنان در قالب برقراری رابطه با قدرتهای حاکم وقت، نفوذ زیادی را برای آنان فراهم می‌آورد. در ادامه این فصل مؤلف به بررسی مشاغل می‌پردازد که در طی سال‌های گوناگون از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه چه به صورت موروثی و چه به صورت غیر موروثی در دست سادات رضوی قرار داشته است. تولیت، نظارت، سرکشیکی، خادم باشی، کلیدداری، تحویل‌داری، وکالت، مدرسی، مشرفی و... از جمله این مناصب به شمار می‌آید.

عنوان فصل پنجم یعنی فصل پایانی کتاب، موقوفات سادات رضوی است.

۳- علمای سادات رضوی: در این مبحث به بررسی و شرح حال هفت تن از علمای بزرگ سادات رضوی مشهد در این دوره پرداخته می‌شود. این دسته از سادات که همواره به خاطر انتساب به امام رضا به عنوان یک قشر روحانی مورد توجه عموم مردم قرار داشتند، از نظر معنوی تأثیر زیادی در جامعه از خود به جای گذاشتند. حتی برخی از آنان محل رجوع مردم بودند و مرجعیت داشتند. میرزا احمد رضوی، میرزا حسین رضوی، محمد باقر رضوی و... که هر کدام صاحب تالیفاتی نیز بودند از جمله این افراد به شمار می‌آیند.

۴- انقلاب مشروطیت: انقلاب مشروطه در مشهد ضمن اینکه بسیار دیرتر پا گرفت تأثیر آن نیز به مراتب بسیار کمتر از دیگر شهرها بی چون تهران، رشت و تبریز بود. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر خراسان به همراه جو مذهبی همراه با یک نظام بسته حکومتی سبب گشت که مشهد دیرتر از سایر نقاط ایران مشروطیت را بپذیرد. در این میان طیف وسیعی از سادات رضوی هیچگونه دخالتی در این جریان نداشتند و مانند اکثریت مردم مشهد در جو بی‌خبری به سر می‌بردند و یک حرکت تعیین شده و مشخص از این گروه مذهبی که بین مردم نیز مورد احترام بودند مشاهده نشد. اگرچه پس از انقلاب مشروطه و تشکیل برخی انجمن‌ها در مشهد تعدادی از سادات رضوی نظیر محمد باقر رضوی در آن‌ها عضو گشتند و برخی دیگر از بزرگان سادات رضوی به طور سنتی در صف مخالفان مشروطه قرار گرفتند لیکن اکثریت آنان بی طرفی پیش گرفتند. به هر روی همان گونه که بیان شد مخالفت و یا همراهی آنان با مشروطیت نقش در هدایت جامعه در این جریان نداشت.

۵- بمباران حرم رضوی: در این بخش مؤلف ضمن شرح وقایعی که منجر به بمباران حرم امام رضا (ع) توسط روسیه گشت چنین نتیجه می‌گیرد

همزمان با به حکومت رسیدن صفویان عرصه‌های جدیدی برای گسترش نفوذ سادات رضوی فراهم می‌آید. به دست گرفتن برخی مناصب سیاسی و مذهبی و ایجاد ارتباطات سیاسی علاوه بر وجه حکومتی و اداری، تمکن مالی را نیز برای ایشان به همراه می‌آورد که در سایه آن توانستند با بهره‌گیری از موقعیت اجتماعی مهیا شده موقوفاتی را به صورت خاص برای سادات رضوی وقف نمایند. این موقوفات که خود نقش مهمی در حفظ جایگاه سادات رضوی تا به حال داشته، هر یک دارای جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاصی می‌باشند. در این فصل پس از بررسی ۱۶ موقوفه در سه دوره صفویه، افشاریه و قاجاریه به بررسی آن‌ها از منظر جنبه‌های فوق پرداخته شده است. موقوفات دوره صفویه اکثراً برای استفاده اولاد وقف شده‌اند خود در زمره بزرگ‌ترین موقوفه‌های اولادی در کشور به شمار می‌آیند. این موقوفات که به لحاظ مصرف از جهت گیری خاصی برخوردارند بیشتر به منظور حفظ انسجام اولاد و فرزندان بوده تا مصارف عام. موقوفات دوره افشاریه نیز تقریباً همین وضعیت را دنبال می‌کنند. این در حالی است که موقوفات دوره قاجاریه مصارف عام دارند و بیشتر همراه با نگرش مذهبی می‌باشند.

پیش از پایان کتاب مؤلف در یک نتیجه‌گیری کلی بیان می‌دارد که بررسی وضعیت سادات رضوی در مشهد از جهت شناخت بهتر تاریخ این منطقه حائز اهمیت است. در حقیقت اگر چه جایگاه و میزان تأثیرگذاری آنان دررخدادهای دوره‌های مختلف تاریخی ثابت و یکسان نبوده ولی همواره از محبوبیت خاصی نزد عامه مردم برخوردار بوده‌اند. در ادامه وی ضمن بیان فشرده‌ای از تمام مطالب ذکر شده در فصول کتاب، به بررسی جایگاه سادات رضوی در دوره پهلوی می‌پردازد. روی کار آمدن حکومت پهلوی و ایجاد اصلاحات در تشکیلات اداری آستان قدس به همراه از بین رفتن مشاغل موروثی، جایگاه سادات رضوی را در آستانه بسیار تضعیف نمود. در واقع در این دوره از سادات به عنوان گروهی تأثیرگذار اسمی دیده نمی‌شود و فقط رجال اسمی آنان در سایه ارتباطات حکومتی با دربار موقعیت خود را حفظ کردند.

در ادامه نتیجه‌گیری و به عنوان بخش پایانی کتاب مبحثی به عنوان «اماکن مقدسه وابسته به سادات رضوی» ذکر شده است که در آن به بررسی سه بقعه مقدس مرتبط با سادات رضوی یعنی «مقبره موسی مبرقع»، «بقعه چهل اختران» و «مقبره میرزا ابراهیم رضوی» به لحاظ معماری، پرداخته شده است.

نکاتی چند در باب کتاب

بررسی پژوهش حاضر از دیدگاه‌های مختلف قابل ارزیابی است. یکی از سوالات مهم درباره این کتاب سطح مخاطبان آن است؛ آیا این کتاب سعی دارد تا با عمده جامعه ارتباط برقرار کند یا مخاطبان آن سطح دانشگاهی و محققان این حوزه هستند. بررسی کتاب نشان می‌دهد که مؤلف در نوشتن مطالب سعی کرده حوزه مخاطبان آن از گستره بیشتری برخوردار باشند. بر همین اساس همان گونه که خود در پیشگفتار بیان می‌کند مطالب کتاب با توجه به دو دیدگاه عمومی و اختصاصی تدوین نموده است که در آن علاوه بر

کتاب دارای ویژگی‌های مثبت متعددی است که عبارت‌اند از:

- از جمله این ویژگی‌های استفاده از اسناد، عکس‌ها، مهرها و شجره‌ها در مستندسازی تمام موضوعات است. ارائه تصویر و استنساخ متن اسناد به کار گرفته شده در متن از دیگر نکات برجسته این پژوهش است که کار را برای فهم بهتر مطالب فراهم آورده است. بر محققان تاریخ پوشیده نیست که استفاده از اسناد هم بر اعتبار پژوهش‌های تاریخی می‌افزاید و هم اعتماد خوانندگان را نسبت به آن بیشتر می‌کند؛ از طرف دیگر اسناد نسبت به سایر منابع یک مزیت برجسته دارند و آن دوری از هرگونه غرض‌ورزی و برداشت‌های شخصی است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که استفاده از اسناد در هر پژوهشی نیازمند اعمال دقت و امانت فراوان و همچنین احاطه محقق به مورد بررسی است. امری که تا اندازه زیادی کتاب حاضر موفق به رعایت کردن آن شده است.

- نگاه نقادانه و انتقادی براساس شواهد و مدارک به منابع و اسناد از دیگر مزیت‌های این کتاب است. در این موارد که بیشتر به سال‌های ذکر شده در اسناد و کتاب‌ها مربوط است، مؤلف پژوهش حاضر با توجه به سایر منابع و با تحلیل‌های متعدد به تصحیح آن‌ها اقدام می‌کند (نگاه کنید به صص ۴۷، ۸۷، ۱۹۳)

- طراحی جلد کتاب نیز مناسب و مرتبط با موضوع است.
- توضیح برخی واژه‌های مبهم و مهجور (نگاه کنید صص ۳۸)
- مشخص بودن منشأ تمامی اسناد
- به‌رغم تلاش مؤلف کتاب دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز است که برخی از آن عبارت‌اند از:

- اشتباهات چاپی به ویژه در شماره اسناد که تصویر آن در انتهای کتاب آورده شده است خواننده را دچار سردرگمی می‌کند (نگاه شود به صص ۹۰، ۹۳، ۱۲۰)

- ارجاع به برخی از پژوهش‌های متأخر در مورد وقایع مشهد که منابع هم زمان بسیاری در مورد آن وجود دارد (نگاه شود به صص ۹۵)
- ارائه سند متفاوت با موضوع مورد ارجاع (نگاه شود صص ۱۳۳)
- اشتباه در خواندن برخی کلمات سندها (نگاه شود صص ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۸)
- محتوای استنساخ شده برخی از اسناد با تصویر ارائه شده از سند آن همخوانی ندارد (نگاه شود صص ۴۱۵، ۳۹۶)

در مجموع کتاب حاضر پژوهشی است درخور تأمل که مؤلف آن کوشیده است با بهره‌گیری از تمام منابع در دسترس گوشه‌هایی از تاریخ مشهد را در ارتباط با سادات رضوی، روشن کند.

پی‌نوشت:

۱- رضوی، محمد باقر، شجره طیبیه، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، مهدی سیدی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۴، صص ۱۳.